

دکتر ولی اله عیسی زاده¹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقد گزارش: «تبیین سال شصت، الگوی مقاومت (واکاوی حماسه‌ی اسلامی مقاومت مردم آمل)

تحلیلی از ستاد مردمی چهل و یکمین سالگرد- بهمن 1401»

چکیده

سال 1360 (ش) با تنش‌های سیاسی - اجتماعی بسیاری همراه بود. در این سال گروهک‌های ضد انقلاب و عوامل استکبار جهانی با بهره‌گیری از شبکه‌های گسترده جاسوسی و تروریستی، با اقدامات براندازانه در ایران فعالیت داشتند؛ آنان ضمن سرقت اسلحه و مهمات، توطئه‌های همه‌جانبه‌ای را علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران به‌پا کردند.

در این سال پرآشوب، گروهکی مسلح به نام «اتحادیه کمونیست‌های ایران» با همکاری گروه‌های معاند و محارب، ضمن پناه‌گیری در جنگل‌های شمال کشور، به ویژه جنگل آمل با پندار فتح شهرهای شمالی، علیه نظام اسلامی صف آرایی نموده و در ششم بهمن سال 1360 (ش) به شهر آمل حمله کردند. در این رخداد تاریخی، جانفشانی قشرهای مختلف مردم مؤمن و انقلابی این شهر در مقابله با مزدوران استکبار جهانی، به حماسه‌ای جاوید در تاریخ انقلاب اسلامی انجامید.

حماسه اسلامی و مقاومت خودجوش مردم شهرستان هزار سنگر آمل در ششم بهمن این سال، داستان شگفتی داشت؛ خداجویان آزاداندیش با یاری خدای قادر برای نجات شهرشان از دست «اتحادیه کمونیست‌های ایران»، به صحنه آمدند و ضمن سنگر بندی شهر، با پشتیبانی نیروهای رزمی، در نبردی جانانه از دین، ولایت و دیارشان دفاع کردند.

در باره چیستی، چگونگی و چرایی این خیزش و حادثه انقلابی، کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های بسیاری نگارش شده که میان نویسندگان و تاریخ نگاران اشتراکات و اختلافاتی وجود دارد. این مقاله ضمن بررسی، تبیین و تحلیل این دیدگاه‌ها با ملاحظه گزارش «تبیین سال شصت، الگوی مقاومت (واکاوی حماسه‌ی اسلامی مقاومت مردم آمل) تحلیلی از ستاد مردمی چهل و یکمین سالگرد- بهمن 1401»، به ایرادات این گزارش پی برده، ضمن نقد سازنده، ایده برتر را برمی‌گزیند.

از این رو، این مقاله با روش نقلی - انتقادی با نوآوری ویژه سامان یافته که روش داده‌پردازی آن توصیفی - تحلیلی است که با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، نرم‌افزارهای علمی و سامانه‌های رایانه‌ای در دو بخش: **أ. اشکالات ساختاری، ب. ایرادات محتوایی** تدوین شده و دیدگاه‌های نگارندگان گزارش نامبرده را با رویکردی انتقادی تحلیل و بررسی کرده و پیوستی را ارائه خواهد کرد.

¹ 1. دانش آموخته سطح چهار حوزه، استاد سطح عالی حوزه علمیه قم،
eisazadeh2001@gmail.com

کلید واژگان: سال 1360، اتحادیه کمونیست‌های ایران، حضور در جنگل، حماسه اسلامی مردم آمل، نقد و ارائه دیدگاه.

مقدمه

چهل و دو سال از رشادت و پیروزی مقاومت اسلامی مردم شهرستان هزار سنگر آمل در برابر گروهک‌های ضد انقلاب می‌گذرد؛ این حماسه اسلامی، برگ زرینی از افتخارات مردم دیار علویان به شمار می‌آید. این خیزش خودجوش و انقلابی زمانی روی داد که تفنگچیان عضو «اتحادیه کمونیست‌های ایران»، «سازمان منافقین» و دیگر گروه‌های همسو با آنان در ششم بهمن سال 1360 (ش) به شهر آمل هجوم بردند؛ اما مردم مؤمن و انقلابی این شهر ضمن سنگربندی شهر، با پشتیبانی نیروهای رزمی در برابر مزدوران استکبار جهانی ایستادند و با تقدیم 41 شهید در یک شبانه روز، جاودان ماندند.

نگارش کتاب، پایان‌نامه، مقاله و تبیین مقاومت اسلامی مردم آمل، ارج نهادن به ارزش کار آن‌ها است و عظمت این حماسه انقلابی را آشکارتر کرده و اهداف و ماهیت پلید گروهک‌های ضد انقلاب را نیز روشن می‌کند.

این مقاله با ملاحظه گزارش «تبیین سال شصت، الگوی مقاومت (واکاوی حماسه‌ی اسلامی مقاومت مردم آمل)» تحلیلی از ستاد مردمی چهل و یکمین سالگرد- بهمن 1401، به ایرادات ساختاری و محتوایی این متن پی برده، ضمن نقد منصفانه این گزارش، به بررسی و تحلیل این داستان می‌پردازد.

1. بیان مسأله و اهداف

بی تردید، تحلیل و تبیین چرایی و چگونگی داستان حماسه ششم بهمن سال 1360 (ش) شهرستان آمل برای مخاطبان، به ویژه نسل نوین شیرین است. منظور از نقد گزارش «تبیین سال شصت، الگوی مقاومت (واکاوی حماسه‌ی اسلامی مقاومت مردم آمل)» تحلیلی از ستاد مردمی چهل و یکمین سالگرد- بهمن 1401، بررسی نقادانه آن است تا با تحلیل درست به نقاط قوت و ضعف آن دست یابیم.

هدف ما، در این نوشتار، تبیین و بررسی گزارش نامبرده بوده و در پی آن است تا با استناد و استدلال به شواهد تاریخی و نقل قول‌هایی که در کتاب‌ها، مقالات و سامانه‌های رایانه‌ای مطرح شده، ایده برتر را بازگو کند و به جمع بندی نهایی برسد.

2. قلمرو تحقیق

قلمرو تحقیق از نظر موضوعی، به حماسه ششم بهمن اختصاص دارد؛ اما از نظر محتوا با توجه به گستردگی و پراکندگی مطالب پیرامون این موضوع، به نقد مباحث مطرح شده در گزارش «تبیین سال شصت، الگوی مقاومت (واکاوی حماسه‌ی اسلامی مقاومت مردم آمل)» تحلیلی از ستاد مردمی چهل و یکمین سالگرد- بهمن 1401 می‌پردازد.

3. اهمیت و ضرورت موضوع

چنین نقدی، آثار درخشانی در پی خواهد داشت از جمله: کشف قووت‌ها و ضعف‌های این گزارش؛ گزینش ایده برتر و زدودن برخی از داورهای ناآگاهانه در باره حماسه ششم بهمن؛ کشف پیام‌های این حماسه؛ تبیین کلیدواژگانی مانند: مقاومت، توکل به خدا، تشخیص حق از باطل،

بینش اجتماعی، اتحادیه کمونیست‌های ایران، الگودیری از تاریخ پیشینیان، شناسایی و ارائه راهکارهایی برای مسلمانان جهت مقابله با دشمنان.

بنابراین، ضرورت انتخاب این تحقیق، بیش از پیش نمایان می‌شود؛ چون تاکنون مقاله‌ای نقادانه در این زمینه نگارش نشده؛ بنابراین، بایسته است تا در یک مقاله جداگانه به بررسی ابعاد مختلف این گزارش پرداخته شود.

4. پرسش تحقیق

گزارش «تبیین سال شصت، الگوی مقاومت (واکاوی حماسه‌ی اسلامی مقاومت مردم آمل)»، چگونه تحلیل، ارزیابی و نقد می‌شود؟

5. فرضیه‌های تحقیق

زیستگاه «اتحادیه کمونیست‌های ایران» جنگل‌های آمل بوده است؛ آنان با پندار دستیابی به شهرهای شمال کشور، در ششم بهمن سال 1360 (ش) به این شهر یورش بردند؛ اما مردم مؤمن آمل ضمن سنگربندی شهر، با پشتیبانی نیروهای نظامی و انتظامی مقابل این مزدوران ایستادند و با تقدیم 41 شهید پیروز شدند. در گزارش «تبیین سال شصت، الگوی مقاومت (واکاوی حماسه‌ی اسلامی مقاومت مردم آمل)» تحلیلی از ستاد مردمی چهل و یکمین سالگرد- بهمن 1401»، اشکالات ساختاری و ایرادات محتوایی بسیاری وجود دارد؛ این مقاله دیدگاه‌های نگارندگان گزارش نامبرده را با رویکردی انتقادی تحلیل و بررسی می‌کند.

6. پیشینه تحقیق و امتیاز این پژوهش

آنچه تاکنون مورد اهتمام بوده، نگارش کتاب، پایان‌نامه، مقالات و ... در تبیین حماسه ششم بهمن سال 1360 (ش) شهر آمل بوده است؛ اما با توجه به تحقیقات انجام شده در منابع اسنادی، سامانه‌های رایانه‌ای و نرم افزارهای گوناگون، در باره گزارش «تبیین سال شصت، الگوی مقاومت (واکاوی حماسه‌ی اسلامی مقاومت مردم آمل)» تحلیلی از ستاد مردمی چهل و یکمین سالگرد- بهمن 1401»، نقدی صورت نگرفته تا به نقاط قوت و ضعف آن پی برد؛ پس بایسته است به نقد آن پردازیم.

امتیاز این پژوهش این است که ضمن نقد گزارش نامبرده، گوشه‌هایی از این حادثه را به خوبی آشکار می‌کند و پیوستی را نیز ارائه خواهد کرد.

7. روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله نقلی - انتقادی و روش داده‌پردازی آن توصیفی - تحلیلی است که با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، نرم‌افزارهای علمی و سامانه‌های رایانه‌ای و با رویکردی انتقادی تدوین شده است.

نقد گزارش

گزارش «تبیین سال شصت، الگوی مقاومت (واکاوی حماسه‌ی اسلامی مقاومت مردم آمل)» تحلیلی از ستاد مردمی چهل و یکمین سالگرد- بهمن 1401» ضمن دارا بودن امتیازات فراوان، اشکالات بسیاری نیز دارد، پس بایسته است نخست ایرادات ساختاری، آنگاه اشکالات محتوایی بازگو شوند.

بخش یکم: ایرادات ساختاری

1. در عنوان این گزارش و در صفحه 18 عبارت «چهلمین و یکمین» نادرست است و باید به عبارت درست «چهل و یکمین» تغییر پیدا کند؛ گویا این گزارش برای چهلمین سالگرد حماسه آمل، سال 1400 (ش) بود و نگارندگان آن را برای سال 1401 (ش) نیز آماده کرده بودند؛ اما به ضرورت این تغییر پی نبردند!
2. همچنین در واژگان «ویکمین» میان حرف عطف «و» و «یکمین» فاصله ای نیست؛ این ایراد در سراسر گزارش دیده می‌شود؛ افزون بر آن واژگان: «در منطقه»، «در سال»، «در شرایط»، «در این» در صفحه نخست این گزارش، نمونه‌ای از این ایرادات است که متأسفانه نویسندگان به بایستگی این فاصله‌گذاری نیز توجه نکردند!
3. عبارت: «تحلیلی از ستاد مردمی چهل و یکمین سالگرد- بهمن 1401» نباید ذیل عنوان می‌آمد، بلکه باید در پانویشت صفحه نخست ذکر می‌شد؛ چون این ستاد تهیه کننده و نگارنده این گزارش است.
4. عدد 1360 در متن این گزارش بیش از 70 بار تکرار شده است؛ در بسیاری از موارد به ویژه در چکیده بایسته بود به جای آن، جمله «در این سال» بازگو می‌شد، تا از تکرار مکررات جلوگیری شود.
5. این گزارش 21 صفحه، هر صفحه حدود 37 سطر و مجموعاً 14162 کلمه دارد که مقداری طولانی است و برای خواننده امروزی خسته‌کننده و مقدمه نیز طولانی است.
6. فاصله سطرها یک سانتی‌متر است که با توجه به فونت «بی نازنین»، برای خواننده مشکل ساز خواهد بود؛ بنابراین، شایسته است فاصله سطرها بیشتر شود.
7. این گزارش در به کارگیری علائم نگارشی مانند : ، ! ، « » () ؟ [] / ، ... ضعف دارد؛ برای نمونه بعد از عناوین نباید علامت : بیاید؛ درحالی‌که بعد از چکیده این علامت قرار دارد. افزون بر این، علامت () در جایی به کار می‌رود که عبارت داخل کمانک قید توضیحی و به معنای «یعنی» باشد؛ اما در این گزارش چنین نیست، مثلاً در پایان چکیده واژگان: امنیت پایدار (و تمدن‌سازی) و در صفحه 2 وقایع نگاری (توصیفی) نادرست است؛ همچنین در این گزارش بیش از نود بار علامت ... به کار رفته که حدود شصت مورد آن نابجا است.
8. همچنین این گزارش، تاریخ‌های خورشیدی، قمری و میلادی را به دقت شناسایی و جداسازی نکرده است؛ زیرا برای شناسایی سال شمسی علامت (ش)، قمری (ق) و برای میلادی (م) ضروری است؛ درحالی‌که در سراسر این گزارش برای سالهای شمسی اصلاً علائمی نیامده و برای سال‌های قمری نیز علامت‌ها ناهماهنگ است که این ناهماهنگی در صفحات 3 و 7 مشهود است.
9. در این گزارش پاراگراف بندی شیوه منطقی را طی نکرده، برای نمونه در صفحات 3 تا 5 این ناهماهنگی مشهود است.
10. بعضی از عناوین این گزارش در راستای هم نیستند و برخی از عناوین نیازمند بازنگری بوده و با معنوی سازگاری کامل ندارند، برای نمونه در صفحه 3 عنوان نخست «اهمیت شمال ایران و آمل» و عنوان دوم «اهمیت شهرستان آمل» باهم هماهنگ نیستند؛ همچنین در صفحه 6 عنوان

«وقایع مهم سال 1360» با معنوی هماهنگی کامل ندارد؛ زیرا رخدادهای سالهای 58-59 نیز ذیل این عنوان بازگو شده است.

11. با توجه به عنوان گزارش، نخست باید حوادث سال 1360 (ش) بازگو می‌شد، آنگاه اهمیت شمال ایران، اهمیت شهرستان آمل و... تبیین می‌شد.

12. این گزارش در دادن نشانی و مستندسازی مطالب بسیار ضعیف است؛ درحالی‌که در بخش منابع و مآخذ شانزده اثر را ذکر کرده است.

13. برخی از نام‌ها باید داخل «» قرار گیرند، مانند دانشگاه «برکلی» در صفحه 7، تا خواننده به اشتباه نیفتد.

14. در این گزارش عبارات: «گفتنی است که»، «گفتنی است» و «گفتنی است»، در صفحات 6، 7، 9، 10 و... باید یکسان سازی شوند.

15. اگر متن به شماره گذاری نیاز داشت، باید هر شماره سر سطر قرار گیرد؛ درحالی‌که در صفحه 16 ذیل عنوان «اهم و بزرگی‌های حماسه‌ی اسلامی»، چنین کاری صورت نگرفته است.

16. از نگارندگان این گزارش با نام‌های: «ستاد مردمی حماسه آمل»، «ستاد مردمی» و «ستاد حماسه مردمی آمل» یاد شده که باید یکسان سازی شود.

17. در صفحه 18 این گزارش تاریخ: 14021101 بدون تفکیک روز و ماه و سال آمده که باید به شکل 01/11/1401 (ش) جداسازی شوند.

18. سیاه شدن برخی از واژگان در میانه متن نادرست است، در صفحه 7 واژگان «ادعای آنان»، در صفحه 9 «قیام فوری و ایجاد جرقه»، در صفحه 12 «یک‌صد نفره» و... سیاه شده است.

19. در این گزارش واژگان: «به‌هنگام» دو بار در صفحه 1 و 12 به شکل نیم فاصله آمده که باید سرهم «به‌هنگام» نگارش می‌شد؛ چون بر اساس سیاق جمله، واژه «به‌هنگام» در این سطر به معنای «بجا» است که متأسفانه نگارندگان به درستی این کار پی نبردند؛ همچنین واژه «شهروندان» یک کلمه است؛ درحالی‌که در صفحه 13 با فاصله: «شهر وندان» ذکر شده است.

20. فرمایش حضرت آیت الله العظمی جواد آملی در وصف حماسه آمل: «قیام همگانی مردم آمل و روستانشینان در جریان جنگل، برگ زرین دیگری از سلسله افتخارات مردم منطقه آمل و شمال به حساب می‌آید» در صفحه 14 در دو سطر جداگانه ذکر شده؛ درحالی‌که باید کنار هم ذکر می‌شد؛ همچنین در صفحه 19 نام شهید محمود افرکش با عبارت مقابل نیم سطر فاصله دارد.

21. بر اساس اصول نگارش، در فرهنگ منابع و معرفی منابع چاپ شده، جهت جلوگیری از تکرار، ذیل نام نویسنده برای بار بعدی خط مُمتد می‌آید؛ درحالی‌که در این گزارش این اصل نگارشی رعایت نشده است، برای نمونه نام آقای «مهدی خانی» در صفحه 20، هشت بار تکرار شده که یکبار کافی بود.

22. همچنین اگر از یک نویسنده چندین اثر ذکر شود، تقدیم و تاخیر آن‌ها باید بر اساس قدمت در تاریخ چاپ یا ارزش بالای آن اثر باشد؛ درحالی‌که در این گزارش این اصل رعایت نشده است،

برای نمونه آثار آقای «مهدی خانی» بدون هیچ ضابطه و ترتیب منطقی در فرهنگ منابع ذکر شده است.

23. در منابع منتشره از حماسه آمل، شماره 10: «جبهه سوم، مروری بر واقعه آمل» ناقص بازگو شده که درستش «جبهه سوم، مروری بر حضور سپاه و بسیج در واقعه آمل (ششم بهمن 1360)» است؛ همچنین حزب کمونیسم ایران (مارکسیست، لنینیست، مائوئیست)، نویسنده کتاب پرندۀ نوپرواز نیست.

24. شایسته است در فرهنگ منابع نام کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها سیاه شوند، یا داخل «» قرار گیرند تا برای خواننده واضح باشند. افزون بر آن، نام برخی نویسندگان در کتابنامه به گونه کامل ذکر نشده است.

25. در بخش منابع و مآخذ، باید پایان هر منبع ضمن مشخص کردن نوع تاریخ: خورشیدی، قمری و میلادی، نقطه گذاشته شود.

26. بند پایانی گزارش راست چین بوده و از سمت چپ تنظیم نیست.

27. این گزارش خاتمه و نتیجه‌گیری ندارد.

28. در صفحه 16 سطر 5 ذیل عنوان: ویژگی‌های حماسه مردم آمل، عبارت: «شکستی تاریخی بر دشمن کمونیست وارد گردید» نادرست است؛ زیرا واژه دشمن زاید است.

29. همه صفحات این گزارش داخل کادر قرار دارند که در مقالات علمی چنین کاری معمول و بایسته نیست.

بخش دوم: ایرادات محتوایی

1. عنوان گزارش طولانی، غیرعالمانه و نامناسب است، باید اینگونه میبود: «تحلیل حماسه مردمی آمل در بهمن 1360 (ش)».

2. چکیده عصاره مطالب این گزارش نیست، کلید واژگان نیز ندارد؛ همچنین در سطر یکم واژه «ضمن» زاید است. سطر 11 واژگان «مقاومت عمومی شهری» نادرسته، زیرا بسیاری از روستاییان به کمک مردم شهر آمده بودند؛ بنابراین، شایسته است عبارت «مقاومت عمومی مردمی» به کار رود.

3. در چکیده اشاره‌ای به نام «اتحادیه کمونیست‌های ایران» نشده؛ درحالی‌که حضور افراد این اتحادیه در جنگل آمل و اندیشه آنان از موضوعات اصلی این گزارش بوده و نام این اتحادیه بالای چهل بار در متن گزارش آمده است.

4. در این گزارش، ناپیوستگی مطالب مشهود است و بندهای گزارش همدیگر را تکمیل نمی‌کنند، برای نمونه بند پایانی در صفحه 2 و در کل صفحه 15 به روشنی این ناهماهنگی نمایان است.

5. همچنین عبارات این گزارش روان نیستند و برای خواننده آسانی و سهولت خاص را ندارند، برای مثال سطر نخست از چکیده سنگین است و عبارت: «پس از فروپاشی سال 1370 اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی» در صفحه 3، باید با جمله روان «پس از فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در سال 1370 (ش)» جایگزین شود.

6. در صفحه 9 نام روستای «سنگ درکا»، در صفحه 11 نام روستای «رَزْکِه»، در صفحه 12 نام روستاهای «محمدآباد و رَزْکِه» و در صفحه 19 نام روستای «گزناسرا» بدون لفظ «روستا» آمده که خواننده را به اشتباه می‌اندازد.

7. برخی از واژگان مازنی به اعراب گذاری صحیح نیازمندند، مانند «سنگ درکا»، «رَزْکِه»، «درمِکلا»، «گزناسرا»، «کِلرد»، «مَنگل»، «مَنگِلَم» و...

8. در اصطلاح رایج حوزوی واژه تخصصی «العظمی» برای فقهایی که مراجع تقلیدند به کار می‌رود؛ درحالی‌که در صفحه 4، 14 و 17 نام حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی بدون لفظ «العظمی» آمده است.

9. به کارگیری واژگان غربی در این گزارش مشهود است، برای نمونه: واژگان «استراتژیک» و «استراتژی» شش بار در صفحات 2، 4، 11، 15 و 20 بازگو شده که معادل فارسی آن واژه «راهبردی» است؛ همچنین واژگان «پتانسیل»، «استرس»، «لجستیکی»، «پارتیزانی»، «اپوزسیون»، «تئوریزه»، «استادیوم» و... نیز غربی‌اند که باید معادل سازی شوند.

10. در این گزارش به کارگیری برخی واژگان نامناسب مشهود است؛ برای نمونه، واژه «جوراجور» در صفحه 18 کلمه‌ای عامیانه است، بهتره از واژه «گوناگون» بهره گیریم؛ همچنین واژه «جریان» به معنای جاری شدن است و به کارگیری آن به جای واژگان «ماجرا و داستان» نادرست است؛ اما در این گزارش حدود بیست بار به کار رفته است.

11. در این گزارش پنج بار لفظ «مائو» بنیانگذار حزب کمونیسم چین آمده بدون هیچ توضیح حداقلی!

12. خوزستان استان جنوب غربی ایران است، نه غربی؛ اما در صفحه 5 این گزارش آمده: چند استان غربی نظیر خوزستان، ایلام و...

13. در این گزارش هشت بار واژگان «پرنده نوپرداز» در صفحات 8، 9، 11، 12، 15، 20 و 21 تکرار شده؛ که «پرندۀ نوپرواز» درست آن است.

14. شروع برخی از بندهای این گزارش نادرست است، مثلاً در معرفی شهر آمل ذیل عنوان «اهمیت شهرستان آمل» در صفحه 3 نخست باید نگاشته می‌شد: آمل شهری در استان مازندران است؛ آنگاه توضیحات بعدی آورده می‌شد؛ همچنین نخستین بند از صفحه 16 با عبارت: «شکستی تاریخی بر دشمن کمونیست وارد گردید که در اعتراف‌شان نیز بود»، آغازی نادرست است.

15. فزونی اغلاط املائی در سراسر گزارش مشهود است: «صیهونیست» در صفحه 5 و 17 سه بار؛ «کمونسیت‌ها» در صفحه 16؛ «اتحاد» در صفحه 20؛ واژه «مَنگِلَم» پنج بار در این گزارش آمده، گاهی با اعراب و زمانی بی‌اعراب، حتی در صفحه 9 در فاصله چند سطر این کلمه به شکل «منگِلوم» نیز ذکر شده؛ درحالی‌که در گویش محلی «وَرُو مَنگِلَم» درست است.

16. در حروف عربی حرف گاف وجود ندارد؛ بنابراین، واژگان «امام حسن عسگری» نادرست و امام حسن عسکری صحیح می‌باشد. افزون بر آن، کاربرد درووها برای معصومان (علیهم السلام) باید به شکل کامل نوشته شود، نه ناقص به گونه (ع)؛ چنانکه در صفحه 3 چهار بار این خطا در یک سطر تکرار شده است.

17. بر اساس اصول نگارش، دو جزء افعال ترکیبی باید کنار هم ذکر شوند؛ درحالیکه این بایسته نگارشی در سراسر این گزارش رعایت نشد، برای نمونه در صفحه 1 سطر 3 و 4 میان دو جزء فعل ترکیبی «دست زدند» پنج واژه فاصله شده است؛ همچنین سطر پایانی این صفحه عبارت «تلاش مضاعف کنیم».

18. محل شهادت شهیدان رجایی و باهنر دفتر نخست وزیری بود؛ درحالیکه در صفحه 6 این گزارش آمده: انفجار ریاست جمهوری و شهادت رجایی و باهنر!

19. در باره «راز تمرکز کمونیست‌های ایران بر آمل» در کتاب «پرندۀ نوپرواز» صفحه 25 در دلایل انتخاب آمل، مطالب علمی و محسوس دیگری بیان شده؛ اما در صفحه 8 گزارش به آن‌ها اشاره نشده است.

20. منظور از «معادن داخل جنگل»، معادن ذغال سنگ است که در جنگل‌های این منطقه وجود داشت؛ اما در صفحه 8 این گزارش به نوع معادن اشاره‌ای نشده است.

21. کاربرد «سازمان مجاهدین خلق» نادرست است؛ به جای آن عبارت «سازمان موسوم به مجاهدین خلق» به کار رود بهتر است.

22. شایسته است به جای عبارت «شهرک صنعتی» در صفحه 10 و 19، «شهرک صنعتی فعلی» به کار رود؛ چون در آن زمان «شهرک صنعتی» در آن منطقه وجود نداشت؛ همچنین در این گزارش از «شهرک صنعتی» گاهی با پسوند «امامزاده عبدالله» و زمانی به نام «آمل» یاد شده است.

23. از شهادت حجت الاسلام و المسلمین «حبيب الله شریعتی فرد» و فرزند پاسدارش «محمدرضا شریعتی فرد» در صفحه 11 به شهادت «دو نفر گرگانی» تعبیر شده؛ که نادرست است؛ زیرا اولاً ایشان روحانی تحصیل کرده نجف اشرف و از علمای بنام استان مازندران بود؛ ثانیاً اهل روستای «إندرات» بهشهر بوده که محل کارش گرگان بود؛ ثالثاً این حادثه در منطقه «گرِسنگ» رخ داد که در این صفحه به محل حادثه اشاره‌ای نشده؛ گرچه در صفحه 15، با تعبیر «دو مسافر عبوری گرگان- تهران!» و نام حجت‌الاسلام شریعتی اشاره شده است.

24. طبق ادعای کتاب «پرندۀ نوپرواز» در صفحه 94، حرکت آنان به سوی شهر آمل ناخواسته نبوده، بلکه با نقشه و شناسایی قبلی بود؛ اما در صفحه 12 گزارش آمده این حمله ناخواسته بوده است!

25. گروهک «اتحادیه کمونیست‌های ایران» پس از شکست در عصر روز ششم بهمن، به سمت «باغات انتهایی جنوبی آمل»، فرار کردند؛ درحالی‌که در این گزارش صفحه 13 سطر 28 عبارت «باغات انتهایی آمل» آمده که نادرست است.

26. در صفحه 14 سطر 8 عبارت «معادل هفتاد درصدی تعداد شهدا» نادرست و جمله «معادل هفتاد درصدی شهدای مردمی» درست است.

27. در صفحه 15 پس از عبارت «پمپ بنزین فعلی»، واژه «نارنجستان» ضروری است؛ افزون بر آن، در همین صفحه عبارت «در فاصله‌ی 20 کیلومتری جاده‌ی هراز» باید به «کیلومتر 20 جاده‌ی هراز» تصحیح شود؛ همچنین در سطر پایانی این صفحه واژه هراز نادرسته باید «جاده هراز» یا «رودخانه هراز» باشد.

28. در سطر نخست صفحه 16 عبارت «سَدّ فعلی منگل» نادرسته و «سَدّ فعلی هراز» صحیح است.

29. در بخش ضمایم و ذکر اسامی 67 شهید، تنها به ذکر سن دو شهید بسنده شده است.

30. در صفحه 3 آمده: «آمل دو بار در طول تاریخ، در بیش از سه قرن (310 سال)، مرکز حکومت اسلامی بود؛ اما با توجه به اُسناد تاریخی، این شهر پیش از اسلام نیز پایتخت مازندران و ایران بوده است؛ بنابراین، شایسته است، عبارت فوق اصلاح شود: پایتختی آمل پس از ظهور اسلام ...

31. از صفحه 3 برمی آید که ناصرالحق زیدی بوده است؛ درحالی که به نوشته آیت الله العظمی جواد آملی ایشان دوازده امامی بودند؛ چون در بستر زیدی حکومت می کرد، مجبور بود با آنان تعامل کند؛ بنابراین، به سبب تقیه برخی نظرات زیدی در کلام ناصرالحق وجود دارد.¹

32. در این گزارش بیش از هفتاد بار واژه «کمونیست» (فرد با اندیشه کمونیسمی) آمده است، حتی یکبار از واژه «کمونسیم» (مکتب و اندیشه) بهره نبرد؛ برای نمونه در صفحه 16 سطر 5 باید از کلمه «کمونسیم» بهره می برد.

پیوست

در تابستان سال 1360 (ش) گروهکی مسلّح به نام «اتحادیه کمونیست های ایران» با همکاری گروه های ضد انقلاب به امید فتح شهرهای شمالی، با رویکردی تروریستی در جنگل های شمال کشور، به ویژه جنگل آمل، علیه نظام اسلامی صف آرایی کردند و در پنجم بهمن سال 1360 (ش) به شهر آمل شبیخون زدند.

رویارویی خودجوش قشرهای گوناگون مردم مؤمن و انقلابی شهرستان آمل در مقابله با مزدوران استکبار جهانی، به حماسه ای جاوید در تاریخ انقلاب اسلامی انجامید. آنان با یاری خدای سبحان برای نجات شهرشان از دست «گروهک های ضد انقلاب» در صحنه نبرد حاضر شدند و ضمن سنگربندی شهر، با پشتیبانی نیروهای نظامی و انتظامی، در نبردی جانانه از دین، ولایت و دیارشان دفاع کردند. مردم مسلمان این شهر با حضور خودجوش و مقاومت خویش الگویی حماسی آفریدند و در فرصتی کوتاه تهاجم کاروانی مسلح را شکست دادند؛ این حماسه در سایه مکتب پویای عاشورایی با تقدیم شهدای گلگون کفن رخ داد؛ بر این اساس، مقاومت عمومی آنان برای همیشه الگوساز شد و قدرت بازدارندگی در برابر گروهک های ضد انقلاب ایجاد کرد.

در باره چیستی، چگونگی و انگیزه این خیزش انقلابی، کتاب ها، مقالات و پایان نامه های بسیاری نگارش شده که میان نویسندگان اشتراکات و اختلافاتی وجود دارد؛ از این رو، این پیوست با روش نقلی تاریخی با نوآوری ویژه سامان یافته که روش داده پردازی آن توصیفی تحلیلی است که با بهره گیری از منابع کتابخانه ای، نرم افزارهای علمی و سامانه های رایانه ای این مقاومت اسلامی را در دو بخش: **أ.** پیش از حمله به شهر آمل، **ب.** پس از حمله به شهر آمل، تحلیل کرده و دیدگاه های نوینی را ارائه خواهد کرد.

پیش از حمله به شهر آمل

¹. ر.ک: رجال تفسیری، ج 7، ص 255-256.

در اوایل تابستان سال 1360 (ش) گروهک موسوم به «اتحادیه کمونیست‌های ایران» به شکل موردی در جنگل‌های جنوبی و جنوب غربی آمل حضور یافت؛ اما پس از مدتی مسلحانه و به گونه گسترده در جنگل‌های این منطقه پناه گرفتند. علاوه بر آنان چند دسته از گروه‌های ضد انقلاب نیز در اقدامی مشابه در جنگل‌های آمل گردهم آمدند و آشکارا به توطئه و براندازی علیه نظام اسلامی مشغول شدند.

این اتحادیه پس از شکست در کردستان، تهران و...، با جمع آوری حدود دویست تن از همفکران خویش به صورت متمرکز و همراه با سیاست‌های سایر گروهک‌ها، در مدت زمانی کوتاه با هدف هماهنگی و ایجاد جبهه‌ای جدید علیه نظام و دستیابی به شهرهای شمالی، مسلحانه در جنگل‌های این منطقه مستقر شدند و خویش را «سربداران» نامیده و طرح حمله به شهر آمل را از جنگل پایه‌گذاری کردند. آنان در جنگل ضمن آموزش نیروهای خویش، چگونگی جنگ شهری را مشق می‌کردند تا جرقه نبردهای داخلی از آمل آغاز شود و به دیگر شهرهای استان‌های شمالی گسترش یابد.¹

بنابر ادعای آنان سال 1360 (ش) سالی تاریخی بود، سال پُر جاذبه و پُر شور، سال بی‌باکی، با تابستانی داغ، سال تفنگ و سال سرافرازی، در کوچه و پس کوچه‌های هر شهر بوی باروت به مشام می‌رسید؛ از سنگرهای نبرد کردستان تا درگیری‌های خیابانی! ضرورت تاریخ، اسلحه را در مرکز سیاست ایران قرار داد و نسل ما این وظیفه را به عهده گرفت. ما متعلق به نسلی بودیم با آموزه‌های «مائو»²، بر سر این‌که قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می‌آید.³

بنابراین، «اتحادیه کمونیست‌های ایران» با حمل اسلحه و آذوقه به جنگل‌های جنوبی و جنوب غربی آمل از ماه شهریور، با رویکردی پوششی نیروهای خود را تدریجاً در منطقه شیب‌دار جنگلی به نام: «وَرُو مَنگِلِم» مستقر کرد؛ این منطقه از پوشش انبوه درختان «شمشاد» جهت استتار برخوردار بود⁴ و در کنار دو روستای کم جمعیت، در عمق جنگل با دسترسی آسان به جاده و رودخانه قرار داشت؛ همچنین دسترسی اضطراری و امنیتی بیشتر به ارتفاعات کوهستانی، بهره‌گیری از راهنمای دکل‌های برق فشار قوی و جاده‌های مربوط، سبب شد تا رفت و آمدها و حمل آذوقه به جنگل آسان شود و بیشترین امکانات برای آنان فراهم باشد.

در این راستا، بهره‌مندی از میوه‌های جنگلی، ارتباط با دامداران سنتی ساکن در جنگل، اماکن سیاحتی و زیارتی، رستوران‌های مسیر محور هراز برای‌شان اهمیت داشت؛ همچنین می‌توان امکان بهره‌گیری از محرومیت مناطق روستایی، نظام مالدار سنتی و استضعاف کارگران سخت‌کوش معادن ذغال سنگ در داخل جنگل را اضافه کرد. بدین گونه اتحادیه کمونیست‌های ایران شرایط را برای حمله به شهر آمل مهیا دید و مبارزه مسلحانه را آغاز کرد؛ بنابراین، جهت طراحی عملیات، با همکاری برخی عوامل محلی، اماکن حساس شهر آمل را نیز شناسایی کردند.

طراحی نخستین حمله به آمل (طرح 18 آبان)

1. ر.ک: مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اولین سمینار علمی حماسه اسلامی مردم آمل، 1373 (ش).

2. وی رهبر حزب کمونیسم چین بود.

3. ر.ک: پرنده نوپرواز، ص 19 و 23.

4. این منطقه جنگلی در بخش امامزاده عبدالله (علیه السلام) در دوازده کیلومتری جنوب غربی شهر آمل قرار دارد؛ پوشش انبوه درختان «شمشاد» این منطقه بی‌مانند است.

بدین ترتیب، چریک‌های اتحادیه کمونیست‌های ایران پس از چند ماه آموزش نظامی، رزم شهری، آمادگی تشکیلاتی و تدارکاتی با طرحی کامل و جامع، با کاروان دویست نفره برای حمله به شهر آمل آماده شدند و در عصر هجدهم آبان سال 1360 (ش) به سمت آمل حرکت کردند؛ اما ناگهان در کمین مدافعان شهر گرفتار شدند. این درحالی بود که دشمن خود را برای اجرای طرح به اصطلاح «قیام فوری و ایجاد جرقه»، با هدف تصرف شهر آمل و در مراحل بعدی، شهرهای اطراف برای روز هجدهم آبان آماده می‌کرد.

از این‌رو، در پاسخ اولین تحرّکات نظامی کاروان اتحادیه کمونیست‌های ایران، اطلاعات عملیات سپاه آمل در اقدامی ضربتی شگفتی‌ساز شد و در عصر روز هجدهم آبان، به فرماندهی جانباز شهید سردار «محمد رنجبر» وارد عمل شد. او در آن لحظه حساس نیروهای پاسدار، بسیج و کمیته انقلاب اسلامی را فراخوان و نیروها را در دو گروه سه تا پنج نفره در جنگل‌های منطقه مستقر کرد. چگونگی جای گیری نیروها در ورودی جنگل و استقرار دو کمین مستقل دیده‌بانی و کنترل آمد و شدها تعیین‌کننده بود.

نیروهای کمین اول در کنار پل جاده فرعی فاز جنوبی شهرک فعلی صنعتی امامزاده عبدالله (علیه السلام) و کمین دوم در جاده فرعی ایستگاه طرح بهره‌برداری جنگل جهاد سازندگی آمل در انتهای روستای «محمدآباد» مستقر شدند.

در آستانه غروب آن روز پاییزی، پیش‌قدمان ستون دشمن در ورودی شهر فعلی امامزاده عبدالله (علیه السلام) در کمین نخست نیروهای انقلاب اسلامی گرفتار شدند. آنان در مبارزه‌ای سخت با این دسته از کمونیست‌های مسلّح درگیر شدند و یکی از فرماندهان آن‌ها را به هلاکت رسانده و چند تن را نیز زخمی کردند. نیروهای اتحادیه فهمیدند طرح آنان در حمله به آمل شکست خورده است؛ بنابراین، فرمانده‌شان فرمان عقب نشینی را صادر کرد و کمونیست‌ها با حمل کشته و زخمی‌ها به عمق جنگل فرار کردند.

گفتنی است، کمونیست‌های مسلّح در غروب هجدهم آبان در یک عملیات فریبکارانه، جاده هراز در محدوده (پیچ صلحار) میان روستاهای «محمدآباد و رزکه» را نیز بستند؛ اما تحرّکات آن‌ها در معرض دید هوشمندانه «کمین دوم» رزمندگان اسلام بود و با حضور بموقع نیروهای نظامی و اهالی محل و با توجه به تلفات غیرمنتظره دشمن در «کمین اول»، فرمان عقب‌نشینی و بازگشت به جنگل از سوی «پیروت محمدی معروف به کاک اسماعیل» فرمانده نظامی اتحادیه به همه نیروها رسید و بدین ترتیب بدون هرگونه درگیری نظامی، رفت و آمد خودروها از محور هراز پس از ساعاتی محدود، از سر گرفته شد.

فرماندهان و هیأت اندیشه ورز آنان هفته‌ها به تحلیل شکست «طرح 18 آبان» مشغول بودند.¹ بدین ترتیب، فرماندهان گروهک به توجیه این شکست دردناک تا پایان حضورشان در جنگل می‌پرداختند؛ حتی سبب جابجایی و ریزش پنجاه درصدی نیروهای کمونیستی در جنگل شد.

طراحی حمله به مقرهای اتحادیه

پس از شکست کمونیست‌ها در عملیات 18 آبان، نیروهای مقاومت در تهاجمی گسترده به عمق جنگل، عملیات 22 آبان را در منطقه جنگلی «وُرو مَنگِلِم» آغاز کردند. در این روز محاصره مقرهای اتحادیه کمونیست‌ها با ترکیبی از رزمندگان سپاهی، کمیته، ژاندارمری و بسیج در

¹ . ر.ک: پرندۀ نوپرواز، ص 44-52.

شانزده دسته رزمی آغاز شد. حرکت نیروها از چندسو با آرایش جنگی چکش و سندان به اجرا درآمد. گرچه به لحاظ برخی کاستی‌های تجهیزاتی، ناهماهنگی‌های میان گروه‌های عمل‌کننده و برخورد زود هنگام با کمین‌های متعدّد دشمن، دوازده تن از نیروهای خودی شهید شدند؛ اما دشمن با تحمّل تلفات جانی، به ویژه روحی روانی، آشفته‌گی و آوارگی به عمق جنگل پناه برد و محل استقرار خود را رها کرده و در پنج گروه رزمی در جنگل‌های جنوبی و جنوب غربی آمل سرگردان شدند و از محلی به محل دیگر می‌رفتند.

عملیات تروریستی 24 آبان و...

در 24 آبان ماه، گروهکی کمونیسمی موسوم به حرمتی‌پور ضمن حمله به پاسگاه ژاندارمری گرسنگ در کیلومتر 16 جاده هراز، با ایجاد ایست و بازرسی، حجت الاسلام و المسلمین «حبيب الله شریعتی فرد» و فرزند پاسدارش «محمدرضا شریعتی فرد» را در مقابل دیدگان خانواده‌اش مظلومانه به شهادت رساندند. با این جنایت هولناک، مسئولان در برخورد با بحران جنگل استوارتر شدند و ستاد قرارگاه نظامی با نام حضرت ابوالفضل (علیه السلام) راه‌اندازی و چند پایگاه نظامی جدید تاسیس شد و نیروهای رزمی سپاه و ژاندارمری در راه‌های ورودی جنگل‌های منطقه مستقر شدند؛ بدین ترتیب تدارکات و ارتباطات دشمن مختل شد و آنان کم کم در لاک دفاعی فرو رفتند.

اما کمونیست‌ها در آذر ماه به پایگاه سپاه در تپه‌های جنگلی روستای «رَزْکِه» حمله کردند که تلفاتی دیگری را متحمل شدند. حمله بعدی آنان به ایستگاه طرح بهره‌برداری جنگل جهادسازندگی آمل در روستای «محمدآباد» بود که با ایجاد وحشت و ترس میان کارگران و پیمانکاران، مقداری آذوقه را به سرقت بردند.

در روز 13 دی یکی از سران اتحادیه به نام «حسن (اکبر) اصفهان» در عملیاتی غافلگیرانه در جنگل کشته شد و دیگر کمونیست‌های مجروح به عمق جنگل فرار کردند؛ پس از این شکست، دشمن نیروهایش را به جنگل‌های بالادست و مناطق کوهستانی پناه داد و با پنهان‌کاری شدید، چند هفته‌ای ظاهر نمی‌شدند.

حمله به آمل و حماسه 6 بهمن

با شکست طرح نخست حمله به آمل و شکست‌های پیاپی دیگر، جنگلی‌های کمونیست در شرایط سختی قرار گرفتند؛ آنان سه راه در پیش رو داشتند: 1. برگشت به تهران، 2. فرار به جنگل‌های غرب مازندران، 3. شیخون به شهر آمل.

با وجود پیامدهای گوناگون ناشی از شکست حمله اول: نگرانی، جو ناامنی، فرار برخی از اعضا به تهران و شهرهای دیگر، کمبود آذوقه، گرسنگی، باران‌های سخت پاییزی، رطوبت، سرما و بارش برف بی‌سابقه؛¹ شرایط زیستی زمستان در ارتفاعات جنگلی برای‌شان غیر قابل تحمّل شد؛ بنابراین، پس از مشورت، طرح حمله به شهر آمل برای بار دوم کلید زده شد.

¹ . به گفته یکی از نیروهای شرکت کننده در نبرد جنگل: «بارش برف در این سال بی‌سابقه بود و سرما بیداد می‌کرد» (ر.ک: پرندۀ نوپرواز، ص 81، 93، 153).

براین اساس، حدود صد تن¹ از کمونیست‌ها، یکم بهمن به قصد حمله به شهر آمل حرکت کردند و با بهره‌گیری از راهنمای دکل‌های برق فشار قوی، مسیری طولانی و بیراهه‌ای را برای حمله به این شهر برگزیدند. آنان با سختی فراوان، در هوای سرد و یخبندان، شبانه به محور هراز میان روستاهای «محمدآباد و رزکه» رسیدند و با گذر از عرض جاده پا به آب نهادند و از رودخانه خروشان هراز گذشتند و ساعت شش صبح روز سوم بهمن در جنگل شرقی رودخانه هراز مستقر شدند و شبی را در کلبه چوبی ماندند. آنان در شرایط سخت مسیر، با توقّف‌ها و استتارهای ناخواسته فاصله دوازده کیلومتری مسیر را در چند شبانه‌روز با ترس و دلهره، پیمودند و سحرگاه پنجم بهمن به ورودی شهر آمل رسیدند.

اعضای گروهک اتحادیه، سحرگاهان لحظاتی را زیر پل کمربندی آمل به بابل در کنار رودخانه هراز گردهم آمدند. خستگی نیروها، شرایط سخت و زمان نامناسب، خطر رویارویی با نیروهای گشت سپاه، کمیته، شهربانی و بسیج مردمی، حمله به آمل را ناممکن کرده بود؛ بنابراین، «کاک اسماعیل» فرمانده نظامی اتحادیه کمونیست‌ها شرایط تدارکاتی این شبیخون را در سحرگاه پنجم بهمن نامناسب دید؛ تصمیم‌گیری در آن شرایط سخت بود، باز هم نسبت به گزینه‌های گذشته: حمله به شهر، بازگشت به جنگل یا فرار به تهران مردد بودند.

ناگزیر در روز پنجم بهمن در یکی از باغ‌های انتهایی جنوب غربی آمل در خانه‌ای کوچک در یافت غیرمسکونی خارج از محدوده شهر در شرایطی بسیار نامناسب پنهان شدند. کاروان مسلح پنج شبانه‌روز بدون استراحت کافی در عاقبت کار خود نگران بودند. با این حال، پس از تاریک شدن هوا و سکوت شب، دستور حمله به شهر صادر شد. آنان طبق نقشه پیشین، به تدریج با استقرار در اطراف مقرهای نظامی، انتظامی و نهادهای انقلابی آمل با سلاح‌های سبک، نیمه سنگین و دیگ‌های انفجاری، اماکن مذکور را تا صبح آماج حمله خود قرار دادند.

آری! شبیخون دوم دشمن در ابتدای شب ششم بهمن به اجرا درآمد؛ ساعات نخستین ورود به شهر آمل در پوشش‌های مختلف، چند تن از رزمندگان واحدهای گشتی سپاه، کمیته و بسیج مردمی را مظلومانه به شهادت رساندند؛ همچنین در کوچه و پس کوچه‌های اطراف مقرهای سپاه، شش تن دیگر از شهروندان را ناجوانمردانه به رگبار بستند؛ ولی در تصرف پایگاه‌های نظامی، انتظامی و حتی اداری ناکام ماندند!

بامداد روز ششم بهمن مردم خداجوی شهر و روستاهای آمل با یاری خدای قادر برای نجات شهرشان به گونه خودجوش به صحنه آمدند و ضمن سنگربندی شهر و با پشتیبانی نیروهای نظامی و انتظامی، در نبردی جانانه از دین، ولایت و دیارشان دفاع کردند. با ورود مردم به صحنه و نبرد تن به تن، کمونیست‌های مسلح شکست دیگری را تجربه کردند و بسیاری از آنان از جمله فرماندهان ارشدشان: «کاک اسماعیل» و برادرش «کاک محمد» به هلاکت رسیدند و افرادی نیز اسیر شدند؛ بقیه اعضای اتحادیه به دلیل مقاومت جانانه نیروهای مردمی، ناامیدانه به دنبال فرار یا راهکارهای جدید بودند.

آنان تا پیش از ظهر روز ششم بهمن از طریق دو محله جنوبی شهر (رضوانیه و اسپه‌کلا) عقب‌نشینی را آغاز کردند، به گونه‌ای که تا غروب همان روز در باغ‌های مرکبات اطراف تجمع کردند و جنگ تن به تن ادامه یافت.

¹. چنانکه گذشت، تعداد اعضای گروهک موسوم به سریداران در جنگل آمل، حدودا دویست تن بودند؛ اما پس از نبردها و شکست‌های پیاپی، حدود نیمی از اعضای اتحادیه کشته یا زخمی یا از جنگل به تهران و شهرهای دیگر فرار کردند.

گروهی از کمونیست‌ها در ادامه جنگ و گریز، با استفاده از تاریکی شب در حال فرار بودند که کشته یا دستگیر شدند. البته پاکسازی و دستگیری گروهی از جاماندگان اتحادیه کمونیست‌ها در سطح شهر و خانه‌های مسکونی با شناسایی و کمک مردم انجام شد؛ اما پاکسازی نهایی بخش کوچکی از خروجی‌های شهر تا غروب روز هفتم بهمن نیز ادامه یافت.

گفتنی است که تعدادی از آنان با بهره‌گیری از تاریکی شب، در قالب گروه‌های کوچک از چند مسیر به عمق جنگل فرار کردند؛ این عده به دو گروه تقسیم شدند، برخی بلافاصله به مناطق سردسیر، برف‌گیر و خالی از سکنه ارتفاعات ییلاقی پناه گرفتند؛ اما به زودی آنجا مورد شناسایی و حمله قرار گرفت. بعضی دیگر از قافله شکست خورده اتحادیه، به همراه «حسین (ناصر) تاجمیر ریاحی» از سران اصلی این گروهک، جداگانه از جنگل به تهران و سایر شهرهای کشور متواری و مخفی شدند.

بنابراین، مقاومت اسلامی مردم فهیم و انقلابی شهرستان هزار سنگر آمل به حماسه‌ای جاوید تبدیل شد؛ آنان نه تنها سینه‌های خود را آماج گلوله‌های مزدوران قرار دادند؛ بلکه نقش خود را در قامت ارتش بیست میلیونی که حضرت امام راحل (رحمت الله علیه) همواره بر آن تأکید داشتند، به شایستگی اجرا کردند. در آن روزها کمک‌های خودجوش اهالی این شهرستان به ویژه نقش چشم‌گیر زنان و نوجوانان، به صورت امداد رسانی پزشکی، تامین آذوقه و لوازم ضروری، کمک به مجروحان، سنگرسازی خلاقانه، تلاش برای شناسایی و دستگیری دشمن، ستودنی بود.

حضور قشرهای مختلف در صحنه نبرد با ایثار مال و نثار جان و با تقدیم 41 شهید گلگون کفن در یک شبانه روز را می‌توان دفاعی تاریخی از کیان اسلام و شهر آمل یاد کرد که نشانی دیگر از پشتوانه گسترده نیروهای مردمی از جمهوری اسلامی است، به گونه‌ای که این مقاومت اسلامی، برای دیگر ملت‌های جهان به الگو و سرمشقی نوین تبدیل شده است.

به گفته یکی از نیروهای کمونیست شرکت کننده در این نبرد: «آن انتظاری که ما از جرقه بر انبار باروت داشتیم برآورده نشد؛ جنبش کمونیسمی شکست دیگری را تجربه کرد؛ شکست سختی نصیبمان شد و بر اثر این خطای تاکتیکی، نیروهای ما به آفت نسبی روحیات دچار شدند».¹

سرگذشت کمونیست‌ها پس از حمله به شهر آمل

چنانکه گذشت، تعداد اندکی از افراد مسلح از مهلکه حماسه ششم بهمن فرار کردند. نیمی از آن‌ها در تهران و دیگر شهرهای کشور مخفی و پس از مدتی دستگیر شدند. گروهی دیگر در مناطق کوهستانی از جمله روستای «گزنا سِرا» که در فصل زمستان خالی از سکنه بود، پناه گرفتند. اما در تاریخ 18 بهمن این دسته هفده نفره در رویارویی و تعقیب و گریز با دادن تلفات سنگین، ناگزیر در شرایط سخت آب و هوایی به نواحی پایین‌تر جنگلی بازگشتند و مدتی در نواحی جنگلی منطقه «کِلرد» در 20 کیلومتری محور هراز مستقر شدند.

عملیات تعقیب و گریز

این گروه کوچک تا یک سال در جنگل‌های منطقه جنوبی آمل پنهان بودند؛ اما در اواخر بهار 1361 (ش)، تعداد معدودی از کمونیست‌ها در جنگل بالادست «مَنگِل» در 25 جاده هراز

¹ . ر.ک: پرنده نپرواز، ص 120، 132، 134.

دیده شدند؛ اما نیروهای گشت سپاه در سیزدهم خرداد همین سال، آنان را غافلگیر کردند و با درگیری متقابل، ناگزیر به ترک جنگل شدند.

چندین ماه بعد، گروه دیگری از کمونیست‌ها با کادر و فرماندهی جدید، در اوایل اسفند ماه همان سال در ارتفاعات جنگلی «شیمیکوه»¹ حدود دو هفته مخفی شدند. در تاریخ دوازدهم اسفند سال 1361 (ش) با حمله ضربتی رزمندگان اسلام غافلگیر شدند. در این عملیات ویژه با وجود محاصره و تسلط کامل بر دشمن که با هدف دست‌گیری آنان صورت گرفت، در دو مرحله عملیات و کمین، با تقدیم شش شهید سرافراز، پایان حضور کمونیست‌ها در جنگل آمل برای همیشه رقم خورد.

گفتنی است که عملیات تعقیب و گریز دشمن در جنگل‌های آمل پیش و پس از حماسه ششم بهمن، حدود دو سال طول کشید. تعداد کل شهدای مربوط به ماجرای جنگل‌های شمال کشور، 136 شهید است که حدود نیمی از این شهدا به شهرستان آمل و محمودآباد مربوط است.

نتیجه‌گیری

1. سال 1360 (ش) با آشوب‌های داخلی و خارجی بسیاری همراه بود.
2. در این سال گروهکی ضد انقلاب به نام «اتحادیه کمونیست‌های ایران» با همکاری گروه‌های معاند دیگر، مسلحانه در جنگل‌های آمل پناه‌گرفتند و علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی دست به توطئه زدند.
3. اینان ضمن راه‌زنی و عملیات متعدد تروریستی، با پندار فتح شهرهای شمالی، در ششم بهمن سال 1360 (ش) به شهر آمل حمله کردند.
4. زنان و مردان مؤمن و انقلابی شهرستان هزار سنگر آمل با حرکتی خودجوش و با همکاری نیروهای نظامی و انتظامی در مقابله با مزدوران استکبار جهانی، مقاومت کرده و با تقدیم 41 شهید در یک شبانه روز، حماسه دیگری آفریدند و این مقاومت جاودانه شد.
5. با عملیات تعقیب و گریز دشمن پس از حادثه آمل، حضور کمونیست‌ها در جنگل آمل برای همیشه پایان یافت.

نمایه منابع

1. جوادی آملی، عبدالله، «رجال تفسیری»، ج 7، چاپ یکم، قم: ناشر: اسراء، زمستان 1400 (ش).
2. خانی، مهدی، «جبهه سوم، مروری بر حضور سپاه و بسیج در واقعه آمل (ششم بهمن 1360)»، تهران، ناشر: معاونت روابط عمومی و انتشارات سپاه، چاپ اول، بهمن 1392 (ش).
3. ستاد مردمی چهل و یکمین سالگرد، «تبیین سال شصت، الگوی مقاومت (واکاوی حماسه‌ی اسلامی مقاومت مردم آمل)»، بهمن 1401 (ش).
4. گفتگو با یکی از رفقای شرکت‌کننده در مبارزه مسلحانه سریداران و قیام آمل، «پرندۀ نوپرواز»، ناشر: حزب کمونیست ایران (مارکسیست، لنینیست، مائوئیست)، آلمان، چاپ اول، تابستان 1383 (ش).

¹. این منطقه مشرف بر محور هراز و در غرب محل سدّ فعلی هراز قرار دارد.

5. نرم افزار «مرقوم»، قم، بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء.